

# حَسَنُ الْعَاقِبَةِ

الدرس التاسع



٢- فيم : في + ما

١- سعيد و بُرَيْرُ من أصحاب الإمام الحسين (ع) في واقعة كربلاء.

٣- سُكُونُ آخرِ الكَلِمَاتِ لِوِزْنِ الشَّعْرِ.

الإمام (ع) :

كُلُّكُمْ يَعْرِفُ أَيَّ طَالِبٍ إِصْلَاحِ  
أُمَّه  
أَفْسَدَتْهَا الطَّاعِيَةَ، \* حَكَمَتْهَا  
بَاغِيَةَ \*.

الحُرّ :

نَحْنُ عَطَشَى \*، يَا بَنَ  
بِنْتِ الْمُصْطَفَى!



الإمام (ع) :

وَرَعُوا \* الْمَاءَ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا بِالتَّسَاوِي وَغَدًا يَأْتِي \* الْفَرَجُ \*.

الإمام (ع) :

حَانَتْ الْآنَ الصَّلَاةُ، أَتُصَلِّي \* بِرِجَالِكَ؟

الحُرّ :

بَلْ نُصَلِّي كُنُنَا  
خَلَقَكَ يَا  
سَبِطُ \* الرَّسُولِ.



الامام (ع) :

أَفَلَا أَنْتُمْ بَعَثْتُمْ لِي رَسُولًا ... وَ  
صَرَخْتُمْ مِنْ مَظَالِمٍ \* ... !؟

الحُرّ :

يَا حَسِينَ يَا بَيْعَ \* أَنْتَ أَوْ تَسَلَّمَ \*!

بُرْبُر :

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ رَوَعَ \* آلَ \*  
الرَّسُولِ!

الامام (ع) :

رَبِّ فَأَشْهَدُ \* : ... خَدَلُونَا \*! كَذَّبُونَا!  
قَدْ تَوَكَّلْنَا عَلَيْكَ، رَبِّ فَأَشْهَدُ : ظَلَمُونَا!

الحُرّ :

أَتُقَاتِلُ أَنْتَ هَذَا الرَّجُلَ؟



ابن سعد:

إي\*، قتالاً، سشاهد فيه إسقاط\*  
الزروس\*!

الحرّ يفترب\* من الإمام (ع) و هو يرعد\*.

أيها الحرّ لماذا ترعد؟ أنت من أشجع\*  
أهل الكوفة!



ثمّ جاء الحرّ نحو الإمام (ع) نادياً:

يا إلهي إني روعت\* أبناء الرسول!  
فلذا أطلب منك المغفرة وأريد  
المعدرة!



الحرّ: إني شاهدت نفسي بين نارٍ و نعيم\*.



إنه سببط النبي، إنه عين\* عليّ.

هل ترى لي يا إلهي توبة؟!

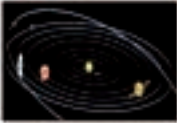
سمع الإمام (ع) نداءه و قال:

عاد\* - واللّه - فنانا\* الحرّ حرّاً...!



١- من كتاب «الحسين ثائراً و شهيداً» للشرقاوي بتصريف و هو أحد الأدباء المسلمين من إخواننا أهل





در جهان طبیعت هر روز و هر لحظه «فعل» ی در حال انجام گرفتن است.  
 آفرینش جز با «فعل» و حرکت معنا پیدا نمی کند. انسان ها و نباتات و جمادات همه  
 و همه در تکاپوی حرکت به سوی مقصدی هستند.  
 جوهره ی طبیعت، «فعل» و کار و عمل است!  
 هر یک از این فعل و انفعالاتی که در طبیعت شاهد آن هستیم، به وسیله ی یک  
 «فاعل» انجام می گیرد. تحقق «فعل» ی بدون «فاعل» در طبیعت محال است.  
 به محیط اطراف خود نگاهی بیندازیم :



به آدم ها نگاه کنید...!

به آسمان، خورشید، درختان، کوه ها...

حیوانات، نباتات، جمادات ...

همه ی این ها «معلول» اند و «مفعول»!

جهان خلقت بر اساس نظام «علت» (فاعل) و «معلول» (مفعول) بنا شده است.

اگر «معلول» و «مفعول» نبود، عالم آفرینش شکل نمی گرفت و اثرات فاعل نمایان نمی گشت!

جلوه ی عالم و زیبایی آن به خاطر وجود و خلقت «مفعول» ها و «معلول» ها است!

## عالم کلمات

زبان یکی از وسایل به تصویر کشیدن رویدادها و پدیده های عالم هستی است. هر آنچه در طبیعت

رخ می دهد، زبان، آن را در قالب الفاظ و کلمات در می آورد.

از این رو طبیعی است که دنیای کلمات نیز از مقوله ی «فعل» و «فاعل» جدا نباشد!

به راستی حرکت و «فعل»

همه ی پدیده ها رو به سوی

کدام هدف دارد؟

هر فعلی، فاعلی دارد. پدید آمدن فعل، بدون فاعل، محال

است!

همه چیز از روی حساب

و کتاب است!

هر فعل، «فاعل» ی دارد!

## فعل

آیا اقسام و حالات «فعل» را به خاطر می‌آورید؟  
ماضی؟ ... مضارع؟ ... امر...؟!

آیا می‌توانید در عبارت‌های زیر «فعل»ها را تشخیص دهید:

﴿التَّجْمُ وَالشَّجْرُ يَسْجُدَانِ﴾  
﴿كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾  
﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

دانستیم که

«فعل» همیشه همراه «فاعل» می‌آید.

## أما

راه تشخیص فاعل چیست؟

### تشخیص از طریق علامت

«فاعل» علامتی دارد که با دیدن آن به «فاعل» بودن کلمه یقین حاصل می‌کنیم.

### تشخیص از طریق معنا

مطمئن‌ترین راه برای یافتن فاعل در جمله، ترجمه‌ی عبارت و درک مفهوم جمله است!

### حال از خود سؤال کنید:



در زبان فارسی «فاعل» جمله را چگونه تشخیص می‌دهیم؟ مثال بزنید.

سؤال کردن با «چه چیزی» یا «چه کسی» چگونه ما را در یافتن فاعل کمک می‌کند؟ مثال بزنید.

آیا در زبان عربی هم می‌توانیم از چنین روشی استفاده کنیم؟

آیا با انجام یک «مسابقه‌ی سرعت» موافقید؟!

کلاس را به دو گروه تقسیم کنیم و کلماتی را مطرح کنیم و نوع آن‌ها را به مسابقه بگذاریم!



①



②



③

به تصاویر روبرو نگاه کنیم:

به راستی!

اگر در خیابان حادثه‌ای رخ دهد، در میان آدم‌های موجود در تصویر

شماره‌ی ۱ به چه کسی مراجعه می‌کنیم؟

به تصاویر شماره‌ی ۲ و ۳ نگاه کنیم!

آیا اگر علامتی همراه اشخاص و اشیاء نبود، آیا می‌توانستیم مطلوب

خود را به آسانی بیابیم؟

در عالم طبیعت «علامت»ها راهنمای جویندگان و ساکنان هستند!

در عالم کلمات چطور؟!

«فعل» را که شناختیم، کارها آسان

می‌شود. با شناخت فعل، فاعل را

نیز می‌توان شناخت!

پس از یافتن فاعل از طریق معنا، به اعراب کلمه نگاه کنیم، آیا علامت مورد نظر را دارد؟!

### علامت فاعل

اعراب فاعل «رفع» است!

### نام‌گذاری

هرگاه فعل در آغاز جمله بیاید، به آن «جمله‌ی فعلیه» می‌گوییم!

### جایگاه

به تابلوی روبه‌رو نگاه کنیم:

✓ هریک از جمله‌ها با کدام یک از اقسام کلمه شروع شده‌اند؟  
 ✓ آیا از طریق معنای عبارت، «فاعل» را می‌توانید پیدا کنید؟  
 ✓ جایگاه «فاعل» پس از «فعل» است یا قبل از آن؟

﴿وَحَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾  
 ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ...﴾

«فاعل» در جملات عربی، پس از «فعل» می‌آید!

### کاربرد

یادآوری

آیا اسم‌های مذکر و مؤنث را به خاطر می‌آورید؟ علامت مؤنث بودن اسم، کدام است؟  
 با دانستن مطالب فوق، اکنون به مطالب زیر توجه کنید:

### مطابقت

این نکته را فراموش نکنیم!



✓ فعل از لحاظ مذکر و مؤنث بودن، تابع فاعل خود می‌باشد؛ مانند:

مذکر: يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُ الْجَنَّةَ.

مؤنث: تَدْخُلُ الْمُؤْمِنَةُ الْجَنَّةَ.

### ارتباط

آیا تقسیم فعل به غائب و مخاطب و متکلم را به خاطر می‌آورید؟  
 آیا ضمائر متصل به فعل را می‌شناسید؟  
 ضمائر متصل فعل‌های ماضی و مضارع در صیغه‌های غائب کدام است؟  
 ضمائر متصل فعل‌های ماضی و مضارع و امر در صیغه‌های مخاطب کدام است؟

اول درک مفهوم عبارت سپس کمک گرفتن از علامت!

برای ترجمه‌ی صحیح عبارت‌ها دانستن دو نکته لازم است:

- ۱- معنای واژه‌ها
- ۲- قواعد مورد نیاز

به کاربرد فاعل همراه صیغه های غایب توجه کنید :

نَجَحَ الْمُؤْمِنُ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَةُ .

نَجَحَ الْمُؤْمِنَانِ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

نَجَحَ الْمُؤْمِنُونَ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

آیا فعل ها در جمله های مختلف تغییری کرده اند؟

آیا فعل ها همراه فاعل آمده اند؟

آیا فاعل به صورت اسم ظاهر آمده است؟

در صیغه های غایب هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر بیاید، فعل به صورت مفرد می آید.

حال به مثال های زیر توجه کنیم :

هـ	أَلْمُؤْمِنَةُ نَجَحَتْ .	هـ	أَلْمُؤْمِنُ نَجَحَ .
ا	أَلْمُؤْمِنَاتُ نَجَحْنَ .	ا	أَلْمُؤْمِنَانِ نَجَحَا .
ن	أَلْمُؤْمِنَاتُ نَجَحْنَ .	و	أَلْمُؤْمِنُونَ نَجَحُوا .

هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر نیامده باشد، فعل

همراه ضمیری می آید که همان ضمیر، فاعل است.

توجه

در صیغه های مخاطب و متکلم – همانند همه ی زبان ها – فاعل

به صورت «ضمیر» می آید؛ مانند :

أَكْتُبُ (أَنَا) – تَكْتُبُونَ (و) – تَكْتُبِينَ (ی) و ...

بنابراین

فاعل در جمله به سه صورت می آید :

بیشتر جمله ها در زبان عربی به صورت جمله ی فعلیه است!

قبل از فعل به دنبال «فاعل» نگردیم! اول فعل، سپس فاعل!

## انواع:



﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾

كَلِمَ (أَنْتَ) التَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

از خود سؤال کنید:



- ۱- آیا در زبان فارسی میان فعل و فاعل مطابقت صورت می گیرد؟
- ۲- جمله ی «دانش آموزان نشستند» را به دو صورت به عربی برگردانید.
- ۳- در صیغه های «اُكْتُبُ»، «اُكْتُبِ» و «نَكْتُبُ» فاعل را مشخص کنید.
- ۴- در فعل های فوق آیا فاعل می تواند ظاهر شود؟

\*\*\*



ارتباط جهان طبیعت و عالم کلمات، تداعی کننده ی این معنا نیز هست که وجود **مفعول** در عالم کلمات نیز امری گریزناپذیر است!



در عالم کلمات نیز «مفعول» نشان از تأثیر «فعل» می کند و وجود «مفعول» حکایت از سرایت و نفوذ اثر **فعل** به کلمه ای دیگر و پدیده ای دیگر دارد.

أَمَا...!!!

آیا «فعل»ها و «نیرو»ها یا «قوه»ها به یک اندازه است؟  
 مثلاً تأثیر فعل هایی مانند: «نشستن»، «نشاندن»، «خوش حال شدن» و «خوش حال کردن»، «خندیدن» و «خنداندن» و ... به یک اندازه است؟  
 آیا تمامی افعال ناچارند اثر خود را در پدیده یا شیء دیگری نشان دهند؟  
 آیا مبحث «فاعل» و «مفعول» در همه ی زبان ها وجود دارد؟  
 آیا می توانید چند فعل در زبان فارسی نام ببرید که علاوه بر فاعل، نیاز به کلمه ای دیگر دارند تا تأثیر خود را روی آن نشان دهند؟

حال اگر پاسخ سؤالات فوق را به خوبی دریافتید، باید بدانیم که:

نام گذاری

مطابقت میان فعل و فاعل از نکات بسیار مهم است! با تمرین و تکرار این موضوع را برای خود ملکه بسازیم!

به فعل هایی که معنای آن ها با **فاعل** کامل می شود، «لازم» می گوئیم.  
 به فعل هایی که علاوه بر فاعل، به **مفعول** نیز نیاز داشته باشند «متعدی» می گوئیم.

مسابقه را فراموش نکنیم!  
 تشخیص فاعل، انواع فعل و جمله سازی، مسابقاتی است که می توان دقایقی از وقت کلاس را به آن اختصاص داد!



## تشخیص

- ✓ در زبان فارسی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟
- ✓ آیا درک مفهوم عبارت، کمکی در این زمینه می‌کند؟
- ✓ آیا مفعول در زبان فارسی دارای علامتی هست؟

حال به آیات تابلوی زیر توجه کنید:

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾  
﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ﴾  
﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

در زبان عربی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

## ۱- تشخیص از راه معنا      ۲- تشخیص از راه علامت

قدم نخست برای تشخیص مفعول به همچون سایر نقش‌ها، فهم **معنای عبارت** است. در زبان عربی «**مفعول به**» نیز دارای علامتی است که به وسیله‌ی آن می‌توان مطمئن شد که تشخیص ما صحیح بوده و کلمه‌ی مورد نظر «**مفعول به**» است.

علامت اختصاصی مفعول به معمولاً **فتحه** (ـَ) است، یعنی «**مفعول به**» پیوسته **منصوب** می‌باشد.

### جایگاه

درک معنا و مفهوم جمله برای ما مطمئن‌ترین راه برای تشخیص نقش کلمات است!

«**مفعول به**» معمولاً بعد از **فاعل** می‌آید.

### نکته

فرق میان معنای «**نَصْرَه**» و «**نَصْرُهُ**» چیست؟

ضمایر منفصل منصوب (إِيَّاكَ و ...) و نیز ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه، هرگاه با فعل بیابند، غالباً مفعول به هستند.

به تابلوی روبه‌رو توجه کنید :

﴿ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾  
﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾

آیا اثر فعل «قنطوا» به کلمه‌ی «رحمة» سرایت کرده است؟  
آیا این سرایت به واسطه‌ی کلمه‌ی دیگری اتفاق افتاده و یا آن که مستقیماً صورت گرفته است؟  
در همه‌ی زبان‌ها کلماتی این چنین را از مقوله‌ی «مفعول»‌ها و یا «متتم»‌ها به‌شمار می‌آورند.  
در زبان عربی نیز این چنین است!

أما...

چون این کلمه همراه واسطه‌ای ذکر می‌شود، به آن مفعول به گفته نمی‌شود.

حال به تابلوی روبه‌رو

نگاه کنیم :

﴿ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾    ﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴾  
﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾    ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ ﴾  
﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾

نام‌گذاری

به حروفی از قبیل «**من**» (از)، «**فی**» (در)، «**إلی**» (به، به‌سوی)، «**لی**» (برای)، «**علی**» (بر، روی)، «**ب**» (با)، «**ک**» (مانند)، «**عن**» (از) «**حرف جر**» و به اسم پس از آن‌ها «**مجرور**» و به هر دو «**جار و مجرور**» می‌گوییم.

حروف جر تنها قبل از اسم می‌آیند!

نکته

مسابقه را فراموش نکنیم!  
تشخیص ضمائر متصل به هر سه قسم کلمه را به مسابقه بگذاریم!

از خود سؤال کنید:

– فرق معنایی و نقش کلمه‌ی الطالب در دو جمله‌ی «دَهَبَ الطَّالِبُ» و «رَأَيْتُ الطَّالِبَ» چیست؟

– آیا می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های اسم بودن، وجود حروف جر قبل از آن است؟

– چرا فعل‌های لازم به مفعول نیاز ندارند؟

– آیا مفعول به در آغاز جمله نیز قرار می‌گیرد؟

تشخیص آسان شد!

کلمه‌ای مفعول به است که قبل از آن واسطه‌ای نیامده باشد!



التدريب الأول

عَيِّن الصَّحِيحَ أَوْ الخَطَأَ فِي العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

١- قَصِدَ الإِمَامُ (ع) بِحَرَكَتِهِ، إِصْلَاحَ أُمَّةِ رَسولِ اللَّهِ (ص).

٢- إِنَّ اللَّهَ قَدِ قَبِلَ تَوْبَةَ «حُرٍّ».

٣- وَصَلَتْ قَافِلَةُ الإِمَامِ (ع) إِلَى الكُوفَةِ.

٤- مَا أُرْسِلَ أَهْلُ الكُوفَةِ الرِّسَالَةَ لِذَعْوَةِ الإِمَامِ (ع).

التدريب الثاني

تَرْجِمِ النَّصَّ إِلَى الفَارْسِيَّةِ وَ عَيِّنِ الفَاعِلَ وَ نَوْعَهُ وَ المَفْعُولَ بِهِ:

المفعول به	الفاعل ونوعه	الفعل

سَافَرَ شَخْصٌ إِلَى بِلَادٍ كَثِيرَةٍ وَ شَاهَدَ أَنْوَاعاً مُخْتَلِفَةً مِنَ الحَيَاةِ. فَسَأَلَهُ أَحَدُ أَصْدِقَائِهِ:  
لَقَدْ رَأَيْتَ مُدُنَ\* العَالَمِ وَأَشْكَالاً مُخْتَلِفَةً مِنَ الحَيَاةِ خِلَالَ سَفَرِكَ، فَمَا أَجْمَلُ شَيْءٍ رَأَيْتَهُ؟  
أَجَابَ: هُوَ وَطَنِي الَّذِي تَوَلَّدْتُ فَوْقَ أَرْضِهِ وَ تَنَعَّمْتُ\* بِخَيْرَاتِهِ وَ تَرَبَّيْتُ\* بِثِقَاتِهِ!

التدريب الثالث

أَكْمِلِ الفِرَاعَ بِالصِّيغَةِ المُنَاسِبَةِ:

١- ... العَمَلُ الصَّالِحُ دَرَجَةٌ الإِنسَانِ. (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ)

٢- العَمَلُ الصَّالِحُ ... دَرَجَةٌ الإِنسَانِ. (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ)

٣- العِلْمُ وَ الإِيمَانُ ... الإِنسَانِ إِلَى اللَّهِ. (تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ)

٤- ... العِلْمُ وَ الإِيمَانُ الإِنسَانِ إِلَى اللَّهِ. (يُقَرِّبَانِ، تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ)

٥- المَؤْمِنُونَ ... وَ لَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا. (يَصْدُقُونَ، يَصْدُقُ، يَصْدُقَانِ)

٦- ... المَؤْمِنُونَ وَ لَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا. (يَصْدُقُ، يَصْدُقُونَ، يَصْدُقَانِ)

٧- الأُمَّهَاتُ ... أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الأَوْلَادِ. (تُنْعِنُ، يُنْعِنُ، تُنْعِبُ)

٨- ... الأُمَّهَاتُ أَنْفُسَهُنَّ فِي تَرْبِيَةِ الأَوْلَادِ. (تُنْعِنُ، يُنْعِنُ، تُنْعِبُ)

## التصنيف الرابع

ترجم إلى الفارسية عبارات مألوفاً:

- ١- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبِّتْ أقدامنا وانصُرنا على القوم الكافرين﴾
- ٢- ﴿هَلْ يَسْتَوِي \* الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾
- ٣- إذا تمَّ \* العَقْلُ نَقَصَ الكَلَامُ.
- ٤- مَنْ عَدَبَ \* لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ \*.
- ٥- خَيْرُ الكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ.
- ٦- صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لَمْ يَنْصُرْكَ \*.

## التصنيف الخامس

صَحَّ الأخطاء في الإعرابِ والتَّحليلِ الصَّرْفِيّ:

يَنْجَحُ الصَّادِقُ وَ يَفْشَلُ الكاذِبُ.

ينجح : فعلٌ أمرٌ، للغائبِ، مزيد ثلاثي، مبنيّ/فعل مرفوع و فاعله «الصادق» والجملة اسمية.

الصادق : اسم، جمعٌ، مذكّر، مشتق و اسم مفعول، معرب/فاعل و منصوب

و : حرف، مبنيٌّ على الفتح.

يفشل : فعل مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي، معرب/فعل منصوب و فاعله «الكاذب»

والجملة فعلية.

الكاذب : اسم، مفرد، مؤنث، جامدٌ، معرب / فاعل و مجرور.



## التعريف السادس

إملاً الجدول من كلمات العبارات التالية:

- ١- يُبَشِّرُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِهِ.
- ٢- يَا مُوسَى... أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ﴿١٠٠﴾
- ٣- ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...﴾
- ٤- الْحَسَنَةُ تُوَدُّهُ \* السَّيِّئَةُ.

اسم ظاهر

ضمير  
بارز

ضمير  
مستتر

انواع فاعل

مفعول به

جار و  
مجرور

مفعول به - جار  
ومجرور

## التعريف

«تعريب» يعني ترجمه کردن به زبان عربی، خواه از زبان فارسی باشد یا از زبان های دیگر. «تعريب» به ما کمک می کند که:

- ١- با ترتیب اجزای جمله در زبان عربی بیش تر آشنا شویم.
- ٢- توانایی «جمله سازی» به این زبان را در خود تقویت کنیم.
- ٣- برای فهم بهتر مطالب تمرین کنیم.
- ٤- افکار و اندیشه های خود را به عربی بیان کنیم.

## التعريف السابع

عَرَّبَ \* العبارات التالية:

- ١- علم، انسان را به خداوند نزدیک می کند.
- ٢- وقت نماز رسیده است، الآن می رویم و نماز می خوانیم.
- ٣- آن ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.



- اسم پس از فعل همیشه فاعل نیست. فاعل گاهی در داخل فعل به صورت مستتر قرار می‌گیرد.
  - فعل گاهی در آغاز جمله به صورت مفرد می‌آید و حال آن که فاعل آن به صورت جمع است. در این صورت، فعل را به صیغه‌ی جمع ترجمه می‌کنیم: کتب الطلاب: دانش‌آموزان نوشتند.
  - جایگاه مفعول معمولاً پس از فاعل است. اما در همه جای جمله می‌تواند قرار گیرد. بدین جهت توجه به مفهوم عبارت راهگشای یافتن مفعول یک فعل است.
  - ضمایر منفصل نصبی هرگاه در آغاز جمله به کار روند، در ترجمه‌ی آن‌ها، کلماتی از قبیل «تنها»، «فقط» و ... را اضافه می‌کنیم.
- ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

### طریقُ تعلیمِ العلم

سَجَنُ فِرْعَوْنُ عَالِمُ الْهَنْدَسَةِ «أُقْلَيْدِسُ». فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ قَالَ فِرْعَوْنُ: أَقْبَلْتَ كَلَامِي؟ قَالَ: لَا... أَنْتَ تَطْلُبُ شَيْئاً مُسْتَحِيلًا! صَرَخَ فِرْعَوْنُ: لَا... لَا... عَلَّمْتَنِي الْهَنْدَسَةَ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَطْ! أَفَهَمْتَ؟! إِبْتَسَمَ أُقْلَيْدِسُ وَقَالَ: يَا فِرْعَوْنُ! طَرِيقُ الْمُلُوكِ مَخْفُوفٌ بِالْأَزْهَارِ وَطَرِيقُ الْعِلْمِ مَخْفُوفٌ بِالْمَصَاعِبِ وَالْمَشْكَلَاتِ! سَمِعَ فِرْعَوْنُ كَلَامَ أُقْلَيْدِسِ وَصَرَخَ: ارْجِعْ إِلَى السَّجْنِ. بَقِيَ أُقْلَيْدِسُ فِي السَّجْنِ وَمَا غَيَّرَ نَظْرَتَهُ. بَعْدَ أَيَّامٍ فَتَحَ السَّجْنَ بَابَ السَّجْنِ فَوَجَدَ أُقْلَيْدِسَ مَيِّتاً وَبِجَانِبِهِ وَرَقَةٌ: «لَيْسَ أُسْلُوبُ مَلِكِي لِعَلْمِ الْهَنْدَسَةِ!»

### راه آموزش علم

عالم هندسه اقلیدس، فرعون را زندانی کرد. روزی

شناخت و فهم قواعد، بستر مناسب برای ترجمه‌ی صحیح است.

دانستن زبان مقصد (زبان فارسی) و توانایی نوشتن به این زبان از ضروریات غیرقابل انکار در ترجمه است.

از روزها فرعون گفت: آیا سخن مرا قبول می‌کنی؟ گفت: نه... تو چیز غیرممکنی را می‌خواهی؟ فرعون فریاد را بلند کرد: نه... نه... فقط در سه روز به من هندسه یاد بده! آیا فهمیدی؟! اقلیدس لبخندی را زد و گفت: ای فرعون! راه پادشاه با گل‌ها پوشیده شده و راه علم با سختی‌ها و مشکلات! فرعون فریاد زد: به زندان برو! اقلیدس در زندان ماند و عقیده‌اش عوض شد. پس از چند روز زندان‌بان در زندان را کمی باز کرد و اقلیدس را بیمار یافت و در کنارش ورقه‌ی کاغذی بود: برای آموزش هندسه، راه و روش ملوکانه وجود ندارد!

فرهنگ لغت از ضروری‌ترین ابزارهای یک مترجم است.

آشنایی با ساختار جملات عربی و نیز چگونگی ساختار جملات فارسی از نکات اساسی در زمینه‌ی ترجمه است.

## الف

- در کدام آیه از مشتقات «عَفَرَ» به کار نرفته است؟
- ۱- ﴿وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء/ ۱۰۶)
- و از خدا آمرزش بخواه که او آمرزنده و مهربان است.
- ۲- ﴿وَمَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (بقره/ ۷۴)
- و خدا از آنچه می کنید، غافل نیست.
- ۳- ﴿وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ﴾ (غافر/ ۴۲)
- و من شما را به خدای توانای بی همتا و آمرزنده دعوت می کنم.

## ب

- پیام آیه ی شریفه ی «اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» کدام است؟
- باید امر به معروف کرد.
- لزوم نهی از منکر را نباید فراموش کرد.
- انسان باید به علم خود عمل کند.
- انسان باید خود نیکوکار باشد سپس دیگران را به کار نیک سفارش کند.

\*\*\*

## فهرست نوم البلاغ

«صِفَةُ الْمُؤْمِنِ»

الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ ... يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ<sup>۱</sup> ...  
شکور صبور، مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ<sup>۲</sup>.

«الْحِكْمُ ۳۳۳»

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ :

۲- مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ : غرق اندیشه های خویش است

۱- الرِّفْعَةُ : خودبزرگ بینی

پیرامون هریک از مسایل زیر مطالبی را در ماهنامه‌ی دیواری بنویسیم و یا دقایقی از وقت کلاس را به آن اختصاص دهیم:

- ✓ زبان عربی کلید فهم اسلام است.
- ✓ امامان و بزرگان دین بر یادگیری زبان عربی تأکید کرده‌اند.
- ✓ عالمان و دانشمندان اسلامی، کتاب‌های بسیاری در تمامی زمینه‌های علمی به عربی نگاشته‌اند.
- ✓ زبان عربی یکی از زبان‌های زنده و بین‌المللی است.
- ✓ زبان عربی زبان مشترک امت اسلامی است.
- ✓ درک اسرار پیام الهی و گفته‌ها و سخنان پیشوایان دین، فقط با یادگیری زبان قرآن میسر است.
- ✓ درک شیرینی زبان و ادبیات فارسی بدون دانستن زبان عربی میسر نیست.
- ✓ زبان عربی پیونددهنده‌ی نسل کنونی با گذشته‌ی پر بار تمدن اسلامی است.

اهتمام به زبان قرآن، اهتمام به فرهنگ ایرانی است!

زبان عربی فصیح همان زبان قرآن است.

برای فهم بهتر زبان قرآن تلاش کنیم بیان مطالب به این زبان را تمرین کنیم!

ضرورت آموزش زبان عربی برخاسته از نیاز فرهنگی جامعه‌ی ما است!